

تحلیلی مفهوم شناسانه بر فراز «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» در زیارت آل یاسین با تاکید بر اصل معنایی و روایات مربوطه

۱. محمدرضا پیرچراغ
۲. محمد سبحان ماهری قمی
۳. سعید شعبانی

چکیده

در زیارت آل یاسین عبارت «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» از جمله عباراتی است که بایسته است در مورد آن تأمل و تعمق بسیار شود تا برداشتی صحیح و دقیق از عبارت مذکور صورت بگیرد. فرضیه تحقیق ارتباط بین «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» و «مرجعیت علمی، هدایت تکوینی و داعی الله بودن اهل بیت» می باشد. تحقیق حاضر با ساختار و محتوای توصیفی-تحلیلی در تلاش پاسخ به این سوال است که معنای صحیح و دقیق «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» موجود در زیارت چه می باشد؟ همچنین این عبارت از زیارت، در بردارنده چه وصفی از صفات امامت و حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام می باشد؟ در این نوشتار با در نظر گرفتن معنای واژگان «رَبَّانِی» و «آیات» برحسب روابط متنی (قرآن و روایات)، معنایی متصور شده برای «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» بررسی گردیده است. بر اساس داده های این پژوهش، بهترین تبیین از «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» «شخص آگاه و خبیر به آیات الهی که آن را برای مردم تفسیر می کند و بر آیات قیّم است» و «پرورش دهنده موجودات و مخلوقات هستی»؛ همچنین با در نظر گرفتن سیاق عبارت «رَبَّانِیْ آیَاتِهِ» است که دالّ بر دعوت انسان به توحید است و با توجه به همنشین هایی نظیر علم مصبوب و ترجمان کتاب، مرجعیت علمی، عصمت و هدایت ولایی و تکوینی حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام ثابت می گردد.

واژگان کلیدی: رَبَّانِیْ آیَاتِهِ، مهدویت، ادعیه، زیارت آل یس، مفهوم شناسی.

۱. هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی علیه السلام، ایران، قزوین (نویسنده مسئول) m.pircheragh@isr.ikiu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام خمینی علیه السلام، ایران، قزوین orvatolvosghal10110@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام خمینی علیه السلام، ایران، قزوین alavi1176@gmail.com

۱. بیان مسئله

زیارت آل یاسین در بردارنده اظهار ارادت به ساحت قدسی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارائه مبانی اعتقادی و معارف مذهب تشیع همانند توحید، نبوت، امامت، رجعت، بهشت و قیامت به محضر ایشان می‌باشد که مشابه عرض دین عبدالعظیم حسنی و مسبوق به سابقه و دارای پیشینه‌ای متقن است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۹). در این زیارت ویژگی‌ها و خصایص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است که حاکی از وجوب معرفت امامت می‌باشد. برای پی‌بردن به معارف، می‌بایست نخست از خداوند متعال و سپس از طریق وحی آگاه گردید که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳). طبق تفاسیر مصداق حقیقی اهل ذکر، اهل بیت علیهم السلام و در زیارت آل یس معرفت و اطاعت عنوان شده است. مؤید آن، حدیث متواتر معنایی «أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (خرزاز قمی، ۱۴۰۱: ص ۲۹۶) می‌باشد که شناخت و معرفت امام زمان واجب تلقی شده است و عبارت‌هایی از دعای پس از زیارت آل یاسین: «الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُ»؛ «وَأَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ»؛ و نیز عبارت «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى» و همچنین سلام‌هایی شامل «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمَّنَهُ» و «الْإِمَامَ الْمُتَمُّونَ» و در آخر: «يَا مَوْلَايَ شَيْءٌ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ»؛ دال بر ضرورت کسب معرفت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و وجوب آن است.

زیارت آل یاسین توسط محمد بن عبدالله حمیری از ناحیه مقدسه با دو متن متفاوت نقل شده است. این زیارتنامه در قسمت نخست مشتمل بر سلام‌ها و عرضه اعتقادات و قسمت دوم شامل اصل دعا می‌باشد. در میان عرض ارادت‌ها و سلام‌های این زیارتنامه واژه‌ای در یکی از جملات ابتدایی نظر انسان را به خود جلب می‌کند و آن عبارت «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۳) است. بدین ترتیب می‌توان سؤال‌های اصلی مقاله را چنین مطرح کرد:

معنای عبارت «رَبَّانِي آيَاتِهِ» در لغات و احادیث چیست و این عبارت چه جایگاهی در ادبیات قرآنی و حدیثی دارد؟

چه معنا یا معانی‌ای می‌توان برای جمله مذکور، متصور شد و این عبارت از زیارت، حاوی چه



وصفی از صفات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟

۲. پیشینه پژوهش

در کتاب‌های شرح زیارت آل یاسین به تبیین این قسمت به طور مختصر پرداخته شده است؛ نظیر کتاب «شرح زیارة آل یاسین»، اثر علی کورانی، که ربانی را معصومان و آیات را آیات قرآن و مفهوم عبارت را «تلاوت کردن آیات بر مردم» بیان کرده است (کورانی، ۱۴۳۴: ص ۵۰۴۶). کتاب «القول المبین فی شرح زیارة آل یاسین»، تألیف صالح جواد که نویسنده براساس روایاتی اندک، ربّانی آیات را عطف بر داعی الله گرفته و مفهوم را «سیر به سمت خداوند» دانسته است (جواد، ۱۴۳۹: ص ۳۳). نویسنده کتاب «میثاق منتظران: شرحی بر زیارت آل یس»، ربّانی را مربی ترجمه و تفسیر کرده است (حائری قزوینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۶۳). در کتاب «پیمان نصرت»، در این مورد احتمالاتی نظیر پرورش دهنده آیات قرآن، پرورش دهنده تمام آیات خدا، خداگونگی و نمایان‌گرتین نشانه‌الاهی داده شده است؛ ولی ادله‌ای مبتنی بر ترجیح این احتمالات نداده و صرفاً آن را نقل کرده است (افراسیابی، ۱۳۹۴: ص ۳۶). همچنین در آثاری نظیر «بر آستان جانان» (شاعلی، ۱۳۸۱: ص ۲۲-۲۶)؛ «تفسیر و شرح زیارت آل یاسین» (رفیعی، ۱۳۷۹: ص ۵۳-۵۴)؛ «راهی به دریا» (خدامیان‌آرانی، بی‌تا: ص ۳۲-۴۸) و «زیارت آل یاسین؛ نظر به مقصد جان هر انسان» (طاهرزاده، ۱۳۸۶: ص ۳۰)؛ شرحی در مورد این عبارت صورت نگرفته است. لذا جامعیتی در تبیین دقیق معنایی این عبارت مشاهده نمی‌شود و لذا پژوهش پیش‌رو، از این رو که معنا و مفهوم ربّانی آیات را در لغت و اصطلاح مورد مذاقه قرار داده و کاربست آن را در آیات، روایات بررسی کرده است و درصدد بیان و تطبیق با صفتی از اوصاف امامت و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد؛ دارای نورآوری است.

۳. مفهوم شناسی توصیفی

«مفهوم‌شناسی» از مبانی و روش‌هایی متابعت می‌کند که سهل‌انگاری نسبت به آن، موجب اخلال در فهم متن، برداشت‌های ناصحیح و در انتها باعث شکست و ناکامی در تحقیق می‌گردد. بنابراین، «مفهوم‌شناسی» از ضرورت‌های پژوهش، خصوصاً در حوزه پژوهش دین،



می‌باشد. گفتنی است که مفهوم شناسی اخص از فهم مفردات می‌باشد؛ به این معنا که فهم مفردات در پی «شناخت واژگان» است که این واژگان جزء مفاهیم اصلی دین نیستند؛ ولی مفهوم‌شناسی در پی کشف معنای «موضوعات دین» می‌باشد. منظور از موضوعات، عناوین عامی هستند که بخشی از معارف دین می‌باشند و آیات و روایات، جنبه‌های گوناگون آن را بیان می‌کنند.

مفاهیم، زیربنای نظریات علمی و بدنه علم را تشکیل می‌دهند؛ به همین دلیل مفهوم‌شناسی «کارخانه مصالح و پیکربندی هر علمی» می‌باشد (ایمان، ۱۳۸۸: ص ۲۷). بنابراین، مفهوم‌شناسی از مهم‌ترین کارهای ضروری در متون دینی می‌باشد؛ زیرا پیش از سخن درباره هر موضوع دینی، تعریف صحیح آن نیاز است. همچنین بدون شناخت مفهوم موضوع، نمی‌توان فهم صحیح از متن به دست آورد؛ به علاوه دقت در انتخاب واژگان و جست‌وجوی واژگان بر مفهوم‌شناسی متوقف می‌باشد.

براساس این مقدمه، «مفهوم‌شناسی»، علم مطالعه روشمند و تحلیل موشکافانه متن است و هدف آن کشف کردن شالوده ارتباط متقابل نشانه‌های موجود در متن می‌باشد. به عبارتی دیگر، مفهوم‌شناسی راه‌حلی برای راهیابی به غموض متن و درک تأثیر معنایی ناشی از آن به شمار می‌آید (شعیری، ۱۳۸۱: ج ۴، ص ۴-۷). مفهوم‌شناسی با رویکرد فلسفی، واژگانی و شناختی، به دریافت و نقد معنا کوشش دارد (مختار عمر، ۱۳۸۵: ص ۲۲-۲۳). واکاوی بافت‌های کاربردی واژگان و کشف ارتباط مفهومی آن با مفاهیم دیگر، نشان‌دهنده اجزای حوزه معنای واژگان می‌باشد. در این میان «مفهوم‌شناسی توصیفی» با بررسی حوزه معنایی واژه، به شناخت ساختار مفهومی آن می‌انجامد؛ زیرا شکل‌گیری واژگان در تعامل با واژه خود است که به سبب دقت در سیاق کلام و متن تحقق می‌یابد. کشف هم‌نشین‌های واژه به عنوان گام اصلی در مفهوم‌شناسی توصیفی؛ به معنای کنار هم قرار گرفتن مفاهیم کلام و یا ارتباط عنصر زبانی با عناصر زبانی دیگر می‌باشد؛ به گونه‌ای که متمم و مکمل یکدیگر می‌گردند (صفوی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۹).

۴. متن‌شناسی زیارت آل یاسین

در کتاب‌های ادعیه و زیارات دو زیارت که آغاز آن «سلام علی آل یس» می‌باشد، برای زیارت آل



یاسین نقل شده است که هر دو متن با عبارات مختلف همراه است. راوی هر دو، محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری است. زیارات مذکور در توقیع صادر شده از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، پس از بیان مسائلی این دعا را تعلیم کردند.

نخستین زیارت آل یاسین که بیش از زیارت دیگر شهرت دارد، در «الإحتجاج» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۳)؛ به صورت «مرسل» نقل شده است که اجماع، موافقت با دلایل عقلی و مشهور بودن میان خاصه و عامه (همان، ج ۱، ص ۱۴)، بر اعتبار زیارت می افزاید.

متن دیگر زیارت آل یاسین در «المزار الکبیر» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۶۹)؛ به صورت «مسند» نقل شده که مؤلف در ابتدای کتاب معتقد است این ادعیه را به سند خود از راویان ثقه شیعه که به ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسند؛ نقل کرده است (همان، ص ۲۷). در زمینه این کتاب نیز گفته شده است: «يُعْلَمُ مِنْ كَيْفِيَّةِ إِسْنَادِهِ أَنَّهُ كِتَابٌ مُعْتَبَرٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۳۵). سید بن طاوس در فصلی که به زیارت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص داده دومین زیارتنامه این دعا را نقل کرده است و چنین می گوید:

هِيَ الْمَعْرُوفَةُ بِالنُّدْبَةِ خَرَجَتْ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُخْفُوفَةِ بِالْقُدْسِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَأَمَرَ أَنْ تُتْلَى فِي السَّرْدَابِ الْمُقَدَّسِ وَ هِيَ...؛ نکته حائز اهمیت آن که نباید این دعا با دعای ندبه معروف خلط گردد؛ زیرا دعای ندبه معروفه به نقل از ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان البزوفری و لسان امام جعفر صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل گردیده و برای خواندن در چهار عید مستحب عنوان شده است؛ در صورتی که زیارت آل یاسین از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مخصوص سرداب مقدس می باشد (ابن طاوس، ۱۴۱۷: ص ۴۳۰).

قابل ذکر است با توجه به این که زیارت معروف آل یاسین به صورت مرسل نقل گردیده و زیارت دیگر که در بردارنده این زیارت به صورت مفصل و دارای سند متصل است؛ اشکال ارسال سند رفع می گردد.

۵. معانی ربّانی در لغت و اصطلاح

شرط اساسی و مهم برای فهم و ادراک هر کلام و جمله ای، آگاهی از معانی و مفاهیم کلمات و مفردات آن و توجه شایان به ویژگی های مفهومی هر واژه است. واژگان و عبارات در قرآن و



روایات نقش اصلی بر عهده دارند که بدون فهم و درک آن واژگان، رسیدن به مفهوم و اسرار آن میسر نمی‌باشد. با این مقدمه، معنای دقیق واژه ربّانی در معاجم لغت عبارت است از:

۱-۵. عالی درجه در علم (انباری، ۱۴۲۴: ص ۱۳۴)؛

۲-۵. ربّانی از ریشه ربّ که در اصل به معنای تربیت است، منسوب به ربّان و ربّ، به معنای کسی است که علم را همانند حکیم، به خود و دیگران آموزش و مبانی آن را پرورش می‌دهد و جمع آن «ربّانیون» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۳۶)؛

۳-۵. به معنای کسی است که به دین خدا و طاعت او به سختی پای بند و متمسک است، ربّانی؛ شارع، عالم، عامل و معلم نیز گفته شده است (زمخشری، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۱۰)؛

۴-۵. کسی است که خدا را می‌پرستد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۴۰۳)؛

۵-۵. الفونون ربّانی برای مبالغه اضافه شده است؛ به معنای کسی که علمش موهبتی است و خداوند به اخذ علم از آنان فرمان داده است و به پروردگار منسوب می‌باشد؛ طالب علم برای خدا، راسخ در علم، شخص متمسک شدید به دین خدا نیز گفته شده است. ربّانی از ریشه ربّ به معنای تربیت می‌باشد (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۶۵)؛

۶-۵. «ربّانی» از ریشه «رب» به معنای راسخ در علم و دین، عالم عامل، معلمی در اعلا درجه علمی، خدانشناس و عارف، منسوب به رب و دارای الفونون مبالغه و عالی درجه در علم می‌باشد (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵)؛

۷-۵. ربّان همانند عطشان و سکران وصف است، به معنای مرّبی (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۴۲۵)؛

۸-۵. ربّانی منسوب به ربّان دارای ریشه سریانی به معنای کسی است که نفس خود را با علم تربیت کرده است. ربّان به خاخام، معلم، مدرس گفته شده است (مصطفوی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۱۷).

در اصطلاح «ربّانی عبارت از کسی است که به احکام الاهی عالم است؛ به خدا اعتقاد دارد؛ احکام خدا را حفظ می‌کند و بر حلال و حرام خدا امین می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ص ۱۲۲-۱۲۱). اهل تصوف کسی را که از اصاغر به اکابر رسیده، قفل‌های اسفار بر او گشوده شده و متجلی اسرار رب است، «عالم ربّانی» گویند (عجم، ۱۹۹۹: ص ۶۰۱). در تعریفی دیگر به عالم متأله

خداپرست، کامل در علم و عمل نیز عالم ربّانی می‌گویند (کسنزانی، ۱۴۲۹: ج ۹، ص ۵۷). در مجموع با توجه به معانی موجود می‌توان گفت که منظور از ربّانی عالمِ عاملِ خداشناسی است که علمش موهبتی از جانب خداوند متعال می‌باشد و همچنین تربیت یافته به علم و مسولیت رشد دانش را برعهده دارد.

۶. کاربرد واژه «ربّانی» در آیات قرآن و تحلیل معنایی آن

واژه «ربّانی» در قرآن به کار نرفته؛ اما جمع آن، یعنی «ربّانیّین» وصفی برای عالمان مؤتمن بر شریعت پس از انبیا به کار رفته است. قرآن آنان را به دو گروه تقسیم کرده که گروهی به حق، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و گروهی دیگر که کوتاهی می‌ورزند و از معاصی نهی نمی‌کنند. با این مقدمه به بیان آیاتی پرداخته می‌شود که این واژه در آن‌ها به کار رفته است:

۱-۶. آیه ۷۹ سوره آل عمران

نخستین آیه‌ای که واژه ربّانی در آن مطرح شده است، آیه ۷۹ سوره آل عمران می‌باشد. این آیه افکار باطل گروهی از اهل کتاب را نفی و اصلاح و به مسیحیان گوشزد می‌کند که به هیچ عنوان حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ ادعای الوهیت نکرده است و همچنین به افرادی که می‌خواستند این چنین ادعاها را برای رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تکرار کنند، به طور صریح پاسخ داده است:

«مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ»؛ برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد؛ سپس او به مردم بگوید: «غیر از خدا، مرا پرستش کنید»؛ بلکه مردمی الهی باشید؛ آن‌گونه که کتاب خدا را می‌آموختید و درس می‌خواندید.

مراد از ربّانیون در آیه، عالم به حلال و حرام و بندگانی هستند که با انبیا مصاحبت داشته‌اند و با آنان در ارتباط بوده‌اند (عینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۳) است.

همچنین ربّانیّین به متعبدان برای خدا (مقاتل، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۲۸۶)؛ عالمان حلیم (صنعانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۱۳۰)؛ حکیم (طبری، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۲۲۳) و افراد کامل در علم و عمل که پرورش یافتگان دارالعلم نبوی بوده‌اند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۵۶)؛ تفسیر شده



است. ربّانی منسوب به رب، در اصل باید به صورت «ربی» می‌آمد؛ ولی برای مبالغه، الف و نون به آن اضافه شده است که در این صورت، شدت اختصاص به رب را می‌رساند و همچنین فراوانی در عبادت می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۲۷۶). در این صورت، ربّانیتین از لحاظ لغوی منسوب به رب و شدت ارتباط را می‌رساند که منظور علمای عامل هستند. بخاری نیز ربّانی را کسی تعریف می‌کند که «مردم را با دانش اندک، قبل از بزرگ شدن مردم تربیت می‌کند» (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۲۵).

مؤلف جامع‌البیان پس از بیان اقوال مختلف در مورد ربّانی چنین می‌گوید: «از میان اقوال، آن چه نزد من مورد تایید می‌باشد، آن است که ربّانیتین جمع ربّانی و منسوب به ربّان می‌باشد؛ یعنی کسی که انسان را پرورش می‌دهد، امور مردم را اصلاح می‌کند و در جهت آن گام برمی‌دارد. علقمة بن عبده در این زمینه می‌گوید: ربّانیتون افراد مورد اعتماد مردم در فقه، علم و امور مربوط به دین و دنیا هستند. بدین سبب است که مجاهد می‌گوید: ربّانی، از احبار بالاتر می‌باشد؛ زیرا احبار همان عالمان هستند؛ ولی ربّانی جامع در علم، فقه، بصیر در سیاست و تدبیر، قائم بر اجرای امور مورد صلاح مردم در دنیا و دینشان می‌باشد (طبری، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۵). مراد از ربّانی، انسانی است که در عبادت خود خالص است، در تمامی اقوال و افعال مراقبت و حق تقوا را ادا می‌کند و بین علم نافع و عمل به آن جمع کرده است و به تعلیم مردم و ارشاد آنان به منافعشان مبادرت می‌کند (طنطاوی، بی تا: ج ۲، ص ۱۶۰).

بنابراین، ربّانی در این آیه، از ربّان اخذ شده و کسی است که انسان را پرورش می‌دهد و وظیفه اصلاح امور دنیوی و اخروی مردم را برعهده دارد.

۲-۶. آیه ۱۴۶ سوره آل عمران

آیه دیگر که ربّانی در آن به کار رفته، چنین است:

﴿وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند. آن‌ها در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و تن به تسلیم ندادند؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.



«رَبِّيُونَ» جمع کلمه رب همانند ربانی می‌باشد؛ به معنای کسانی که مشغول پروردگار هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۲۷۶). مفسران ربیون را این‌گونه تفسیر کرده‌اند: «الرَّبِّيُّونَ الْجُمُوعُ الْكَثِيرَةُ وَالرَّبُّهُ الْوَاحِدَةُ عَشْرَةُ آلَافٍ؛ گروه‌های فراوان از مردم است و یک رَبُّهُ ده‌هزار است» (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۲۰).

علمای پرهیزکار منسوب به رب را «رَبَّانِي» گویند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۳، ص ۲۴۱). در روایتی امام باقر علیه السلام عالمان باتقوا و متمسکان به عبادت خدا را ده‌هزار نفر برشمرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۸۵۴). بنابراین، در این آیه «رَبِّيُونَ» جمع کلمه رب و یا همان ربانی است که جمع ده‌هزار نفری از علمای باتقوا را شامل می‌شود.

۳-۶. آیه ۴۴ سوره مائده

آیه دیگر چنین است:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَابُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ﴾؛ ما تورات را نیز نازل کردیم که در آن، هدایت و نور بود و انبیا که دین اسلام داشتند، با آن در بین یهودیان حکم می‌کردند، و همچنین علمای ربّانی و مرمی مردم و خبرگان از یهود و نصارا به مقداری که از کتاب خدا حفظ بودند.

در لغت، رَبَّانِيّون جمع ربّانی منسوب به رب، به معنای کسی است که با اقوال و افعال خویش، پروردگار را راضی می‌کند (مغنیه، ۱۹۸۱: ج ۳، ص ۶۰) و در تفاسیر به افرادی که درجات علمی بالایی دارند و به آنچه می‌دانند، عمل می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۳۰۶) و انسان‌های کامل در علم و عمل (طریحی، بی‌تا: ص ۱۰۰) تفسیر شده است. طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام رَبَّانِيّون همان ائمه علیهم السلام هستند که مردم با علم آن‌ها رشد و تربیت می‌شوند (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۲۳). این واژه همچنین به علمایی تفسیر شده است که از همه چیز منقطع شده و در علم و عمل به سمت خداوند هستند و یا کسانی‌اند که تربیت مردم به علم آن‌ها سپرده شده است، با توجه به این‌که از ریشه رب یا تربیت نشأت گرفته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۵، ص ۵۶۱). تعبیر جدید در تفسیر آیه، اهل بیت علیهم السلام می‌باشند که می‌توان آنان را از مصادیق ربّانی برشمرد. بنابراین، مراد آیه عالمان عامل در مسیر قرب الاهی می‌باشد.



۴-۶. آیه ۶۳ سوره مائده

در آیه مذکور نیز ربّانی به کار رفته است: «لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ چرا علمای ربّانی یهود و نصارا آن‌ها را از گفتارهای گناه و رشوه خواری نهی نمی‌کنند؟! راستی چه رفتار بدی می‌کنند!».

«ربّانیون» جمع «ربّانی»، منسوب به رب، به معنای الاهیانی است که از خوف خداوند ورع دارند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۱، ص ۶۶۴). همچنین عالم به حلال و حرام و احکام الاهی از اوامر و نواهی در هر امت (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۱۵۷) را ربّانی می‌گویند. گفتنی است که در تفاسیر معانی اشاره شده در آیات قبل نیز برای این آیه ذکر شده است.

بنابراین، با توجه به آن که اهل بیت علیهم‌السلام از مصادیق ربّانی هستند؛ اگر بخواهیم جمع بندی کلی در مورد کلمه معنای کلمه ربّانی داشته باشیم، چنین نتایج ملاحظه می‌گردد:

الف) منسوب به رب، یعنی کسی که بسیار عابد و مطیع و عارف الاهی باشد؛

ب) کسی که به دین خدا و طاعت او متمسک باشد؛

ج) کسی که در دین حقّ مربی و معلم مردم باشد؛

د) عالم عامل به احکام، اوامر و نواهی الاهی.

در انتهای این بحث شایان ذکر است با توجه به آن که ربّانی در قرآن به عالمان یهود نیز به کار رفته است، کاربرد آن برای حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشری منتفی می‌باشد؛ زیرا میان ایشان و دین یهود نسبتی وجود ندارد و این لقبی عام می‌باشد که برای دانشمندان پیروان حضرت موسی علیه‌السلام به کار رفته است.

۷. کاربرد واژه «ربّانی» در روایات و تحلیل معنایی آن

پس از بررسی ربّانی در قرآن، به واکاوی واژه در احادیث پرداخته می‌شود. روایات نیز به عنوان منبع دیگری که می‌توان به خوبی از آن‌ها در رسیدن به معنای واژگان کمک گرفت، کارایی دارند.

اندیشمندان در حوزه روایات نیز، ربّانی را تفسیر و تعبیر کرده‌اند؛ بدین معنا که «ربّ» که امور مردم را با تدبیر خویش اصلاح می‌کند و به سامان می‌رساند و رشد و پرورش می‌دهد. به همین



سبب به کسی که با علم خویش امری را مدیریت و اصلاح می‌کند، «عالم ربّانی» می‌گویند (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۳۰). این واژه به عالمی راسخ در علم و دین، طالب خداوند با دانش، عالم عامل نیز معنا شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۱۸۱). همچنین به معنای کسی است که از علوم او، علمی به آخرت راه می‌یابد؛ حرص در وی به قناعت و غفلت در او به تقوا تبدیل شده است. و متعلّم در حدیث را نیز کسی دانسته‌اند که بدین خاطر به سراغ علم رفته باشد (بیهقی، ۱۴۰۹: ص ۴۳۰).

با تتبع در روایات ربّانی در این موارد به کار رفته است:

۷-۱. پرورش دهنده

در روایات، هم‌چون لغت، ربّانی به معنای پرورش دهنده به کار رفته است؛ با این تفاوت که پرورش دادن، متناسب با مخاطب آن، معنا گرفته است که با توجه به موارد به کار رفته ربّانی در احادیث و مخاطب آن، می‌توان بر اساس وصف، و بر اساس فعل و فاعل تقسیم‌بندی کرد که در ادامه بدان اشاره می‌گردد:

۷-۱-۱. خداوند

در نخستین دسته از روایات، ربّانی بر کسی اطلاق شده است که از جانب رب مورد پرورش قرار گرفته باشد؛ به این معنا که مخاطب جمله خداوند است و فعلیت آن به پروردگار نسبت داده شده است.

این کاربرد ربّانی در ادعیه مشاهده می‌گردد که افراد در مناجات خویش با پروردگار او را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهند: «أَطَلْتُ فِكْرِي فِي نَفْسِي مَنْ أَخْرَجَنِي جَنِينًا مِنْ بَطْنِ أُمِّي وَمَنْ عَدَّائِي وَمَنْ رَبَّائِي» (راوندی، ۱۴۰۹: ص ۲۵۸)؛ در دعای سحر ماه مبارک رمضان نیز چنین آمده است: «فِيَا مَنْ رَبَّائِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَبِفَضْلِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۵۸۳). دعای «يَا مَنْ رَزَقَنِي وَرَبَّائِي» (کفعمی، ۱۴۱۸: ص ۴۰۸)؛ نیز در این زمینه قابل ذکر است. عبارت مذکور در دعای جوشن کبیر می‌باشد که همان معنا از آن متصور می‌شود. در واقع، خداوند متعال رشد دهنده انسان از دوران کودکی و در تمام لحظات می‌باشد.

در دعای ابوحمزه ثمالی نیز ربّانی در این عبارت از دعا ملاحظه می‌شود: «إِلَهِي رَبِّيْتَنِي فِي نِعْمِكَ



وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِإِسْمِي كَبِيرًا، فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۵۸۳)؛ که منظور همان معنای لغوی آن، یعنی پرورش و تربیت می باشد.

امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای که در صفین ایراد کردند، فرمودند: «يَا رَبَّانِي الْعِبَادِ وَيَا سَكَنَ الْبِلَادِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۳۵۸). برای عبارت مذکور شرح و تفسیری ذکر نشده است؛ اما با توجه به این که «سَكَنَ الْبِلَادِ» به «کلما یسکن الیه» (مجلسی، ۱۴۱۱: ج ۲۶، ص ۵۳۱)؛ تعبیر شده است، می توان چنین بیان کرد که منظور از ربّانی تربیت کننده و پرورش دهنده مردم می باشد.

بنابراین، کاربرد ربّانی با مخاطب قرار دادن خداوند، فعلیت و فاعل بودن پروردگار را در جهت پرورش افراد و مخلوقات می رساند.

۷-۲. اهل البيت علیهم السلام

کاربرد دیگر ربّانی در روایات، به اهل البيت علیهم السلام و وصف ایشان مربوط می باشد. در این زمینه امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «أَنَا الْعَالِمُ الرَّبَّانِي» (طبری آملی، ۱۴۲۷: ص ۱۸)؛ مشابه روایت مذکور مطلبی است که از حسن بصری در مورد امیرمؤمنان علیه السلام و وصف ایشان پرسیدند که وی چنین پاسخ داد: «كَانَ عَلِيٌّ وَاللَّهِ سَهْمًا صَائِبًا مِنْ مَرَامِي اللَّهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَرَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ سوگند به خدا، علی، تیری به هدف خورده از کمان الاهی به سوی دشمنانش بود. او ربّانی این امت بود» (حلی، ۱۴۰۸: ص ۲۵۰).

نکته حائز اهمیت آن که امام رضا علیه السلام در حدیثی به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام، برخی از امتحانات خویشان را گزارش کردند: «هُوَ رَبَّانِي صَغِيرًا وَبَوَّانِي كَبِيرًا وَكَفَّانِي الْعَيْلَةَ وَجَبَّرَنِي» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ص ۳۷۰). همچنین در روایتی مشابه، امیرمؤمنان علیه السلام خود را چنین معرفی کردند: «أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالْعَصْدِ مِنَ الْمَنْكَبِ وَكَالذَّرَاعِ مِنَ الْعَصْدِ وَكَالكَفِّ مِنَ الذَّرَاعِ رَبَّانِي صَغِيرًا، وَأَخَانِي كَبِيرًا» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۱۵). براساس عبارت مذکور، ایشان مورد تربیت پیامبر قرار گرفته و رشد یافته اند و این رویکرد در واقع مؤیدی بر معنای رشد و پرورش می باشد.

قابل ذکر است که در برخی روایات، امیرمؤمنان علیه السلام این گونه وصف شده اند: «وَإِنَّهُ سَيِّدُ الْعَرَبِ وَرَبَّانِيهَا؛ او سید عرب و پرورنده آنهاست» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۱۹۱). همچنین در حدیث دیگری به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «عَلِيٌّ رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةِ» (ابن شهر آشوب،



۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۵). در این دو حدیث دیگر، واژه علم اضافه نشده است و تمام معانی که برای ربّانی وجود دارند، می‌توان در این جا در نظر گرفت.

در این زمینه که اهل البیت علیهم‌السلام عالم ربّانی می‌باشند، روایتی از امام صادق علیه‌السلام وجود دارد که مؤید مطالب گذشته می‌باشد: «فَلْيَسْرِقِ الْحَكْمَ وَيُعَرِّبْ أَمَّا وَاللَّهِ لَا يُصِيبُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جَبْرِيْلُ» (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۹). بنابراین، فردی که علمش از خداوند متعال باشد و دارای علمی متجدد و مستمر است، ربّانی نامیده می‌شود و بدین سبب است که ربّانی را به این معنا برگزیده‌اند (کورانی، ۱۴۳۴: ص ۴۷).

۷-۳. اصحاب اهل البیت علیهم‌السلام

کاربرد دیگر ربّانی درباره یاران ائمه علیهم‌السلام و توصیف ایشان می‌باشد. یونس کُناسی نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام زیارت امام حسین علیه‌السلام و اصحاب ایشان را با عبارت «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۲۰۴)؛ آغاز کردند. در ادامه نیز عبارت «فَإِنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿وَكَايَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾» (همان)؛ ملاحظه می‌شود. در زیارت دیگر امام حسین علیه‌السلام عبارت «أَشْهَدُ أَنَّ قَاتَلَ مَعَكَ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ» (همان، ص ۲۱۷)؛ نیز به چشم می‌خورد. بنابراین، مشاهده می‌شود که در این مقال منظور از ربّانیون، انصارالله می‌باشد که برای یاری امام خویش به قتال پرداخته‌اند. تعبیر ربّانی در تاریخ برای عبدالله بن عباس نیز به کار رفته است. زمانی که ابن عباس از دنیا رفت، محمدحنفیه پس از دفن وی گفت: «الْيَوْمَ مَاتَ رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةُ» (عسقلانی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۲۷۸). با توجه به فضایل مطرح شده از رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد ابن عباس: «اللَّهُمَّ عَلِّمَهُ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ» (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۳، ص ۵۳۷)؛ «اللَّهُمَّ عَلِّمَهُ الْحِكْمَةَ» (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۴، ص ۲۱۷)؛ «اللَّهُمَّ فَفِّهْهُ فِي الدِّينِ، وَعَلِّمَهُ التَّأْوِيلَ» (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۳، ص ۵۳۴) و «اللَّهُمَّ بَارِكْ فِيهِ وَانْشُرْ مِنْهُ» (سیوطی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۶۸)؛ بی‌شک منظور از ربّانی، عالی درجه در علم می‌باشد. مشابه چنین تعبیری، برای زید بن ثابت، پس از وفات وی توسط ابوهریره ملاحظه می‌شود: «لَمَّا مَاتَ زَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ، قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: الْيَوْمَ مَاتَ رَبَّانِي هَذِهِ الْأُمَّةُ» (ابن ابی‌عاصم، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۲۹۱).



همچنین امیرمؤمنان علیه السلام در خطبه‌ای در مورد ربانیون فرمودند:

«إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَيْثُ مَا عَمِلُوا مِنَ الْمُعَاصِي وَوَلَّمَّ يَهُمُ الرِّبَانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ ذَلِكَ وَإِيَّاهُمْ لَمَّا تَمَادَوْا فِي الْمُعَاصِي وَوَلَّمَّ يَهُمُ الرِّبَانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ ذَلِكَ تَزَلَّتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ.» مفهوم روایت آن است که خداوند به ربانیون اعتماد کرده و دین خود را به آنان سپرده و به آنان محافظت از دین را امر کرده است؛ که برخی به عهد وفادار بودند و برخی کوتاهی کردند و مستحق ذم و عقوبت شدند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۵۷).

۴-۷. عالم عامل

کاربرد دیگر ربانی در احادیث، عالم عامل و وصف ایشان است. امیرمؤمنان علیه السلام در حدیثی به دسته‌بندی مردم پرداخته و به عالم ربانی اشاره کرده‌اند: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۹۲). براساس این دسته‌بندی مردم سه گروه هستند: گروه نخست عالمانی که از جانب پروردگار به بالندگی رسیده‌اند؛ گروه دوم متعلمانی که در مسیر نجات مشغول علم‌آموزی هستند و گروه دیگر که اوضاع نامعلومی دارند و در سرگردانی به سر می‌برند. هنگامی که از علم‌آموزی صحبت می‌شود، بر این موضوع تاکید می‌گردد که از هرکسی نبایست علم آموخت؛ بلکه از کسانی باید آموزش دید که از جانب خداوند مورد رشد و تعالی قرار گرفته باشند. علامه مجلسی در شرح این روایت قول لغویان را نقل می‌کند و ربانی را از ریشه رب به معنای تربیت گرفته که به چند معنا منتج می‌شود:

یک. متربیان را از لحاظ علمی پرورش می‌دهند؛

دو. عالم راسخ در علم و دین؛

سه. کسی که با علم خود وجه خدا را می‌جوید؛

چهار. عالم عامل (مجلسی، ۱۴۱۳: ج ۳۷، ص ۲۹۹).

همچنین در شرح عالم ربانی گفته شده است که وی کسی است که خدا و شریعت او را می‌داند و به آن عمل می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۷: ج ۴، ص ۳۱۲) و نیز او متأله و عارف به خدا است (حسینی خطیب، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۱۲۵).

۵-۷. کاربرد دیگر ربانی در روایات را در روایتی از هشام بن حکم به نقل از امام کاظم علیه السلام ملاحظه می‌کنیم: «نَصَبُ الْحَقِّ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ وَلَا نَجَاةَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ وَالطَّاعَةُ بِالْعِلْمِ وَالْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ وَالتَّعَلُّمُ



بِالْعَمَلِ يُعْتَقَدُ وَلَا عِلْمَ إِلَّا مِنْ عَالِمٍ رَبَّانِي» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷)؛ ربّانی ذکر شده در روایت مذکور، به معنای عالمی است که علم وی توسط خداوند پرورش یافته و علم او بر اساس موهبت الاهی است و به اصطلاح، وی از زمره «راسخون در علم» می‌باشد (بروجردی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۱۷۵).

به همین منظور در روایتی از پیامبر ﷺ در وصف امیرمؤمنان علیه السلام، واژه ربّانی به همین معنا به کار رفته است: «أَيُّهَا النَّاسُ انظُرُوا إِلَيَّ مَا أَعْطَى اللَّهُ عَلَيَّ مِنَ الْعِلْمِ النَّبَوِيِّ الَّذِي أَوْدَعَهُ اللَّهُ رَسُولَهُ مِنَ الْعِلْمِ الرَّبَّانِي» (ابن شاذان، ۱۳۶۳: ص ۱۵۷). در این حدیث سخن از علمی به میان آمده است که خداوند متعال به امیرمؤمنان علیه السلام اعطا کرده است و ایشان پذیرنده آن و دارای جایگاه مناسبی برای این علم موهبتی بوده‌اند.

امیرمؤمنان علیه السلام در حدیثی ربّانی را چنین بیان و تفسیر کرده‌اند: «الربّانی من یرب العلم» (کاشانی، ۱۳۳۳: ج ۲، ص ۲۵۹). از این روایت می‌توان چنین برداشت کرد که ربّانی کسی است که علم را به بالندگی رسانده و پیوسته اهتمام به تعلیم و تعلم داشته است. بنابراین، مشخص گردید ربّانی در روایات به معنای پرورش دادن می‌باشد. این پرورش دادن با توجه به مخاطب آن، برای خداوند به عنوان فاعل، به کار رفته است و برای اهل بیت علیه السلام، اصحاب ایشان و عالم عامل به عنوان وصف و توصیف آنان ملاحظه می‌شود.

۶-۷. فرشته الاهی

کاربرد دیگر ربّانی در احادیث، «فرشته الاهی» می‌باشد. جابر نقل کرده است که حدود پنجاه نفر نزد امام باقر علیه السلام بودیم؛ به ناگاه کثیرالنّوّاء داخل شد و بر ایشان سلام کرد و سپس گفت: مغیره بن عمران در کوفه معتقد است همراه شما فرشته‌ای است که مؤمن را از کافر و دشمنان شما را از شیعیان جدا و معرفی می‌کند. امام باقر علیه السلام از وی مطالبی پرسیدند که هربار دروغ گفت و امام علیه السلام دروغ وی را آشکار می‌کرد. کثیرالنّوّاء از این ماجرا متعجب شد و از امام، از شخص خبردهنده سؤال کرد. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «الْمَلَكُ الرَّبَّانِي يُعَرِّفُنِي شِيعَتِي مِنْ عَدُوِّي» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۴۳). در این جا صحبت از ملکی شده که دارای علمی خاص از جانب رب می‌باشد و در بازشناسی شیعیان از دشمنان، کمک حال امام بوده است.



از معانی ربّانی در روایات چند معنا برداشت می‌شود؛ از جمله:
 الف) کسی که از جانب رب از لحاظ علمی و جسمی مورد پرورش قرار گرفته است؛
 ب) غیر از خداوند متعال می‌تواند پیامبر هم به عنوان ربّانی بیان شود؛
 ج) کسی که علم را به بالندگی رسانده است و در واقع در تمامی مراحل به تعلیم و تعلم می‌پردازد؛

د) انصارالله هم می‌توانند به عنوان ربّانیون شناخته شوند.
 بنابراین، با توجه به کاربرد ربّانی در احادیث، واژه مذکور، عالم عامل و پرورش یافته توسط خداوند را شامل می‌شود و در مورد حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام مرجح می‌باشد و فرشته الاهی و اصحاب اهل بیت نفی می‌گردند.

۸. معنای واژه «آیات» و مصادیق آن

با مشخص شدن معنای بخش اول عبارت «رَبَّانِي آيَاتِهِ» ضروری است معنای قسمت دوم، یعنی «آیات» مشخص شود تا عبارت مذکور معنای کامل پیدا کند. «آیات» جمع مکسر آیه، به معنای عبرت (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۶۲)؛ علامت و نشانه (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۱۹، ص ۱۸۲)؛ به کار رفته است. در مجموع می‌توان بیان کرد که آیه به معنای نشانه می‌باشد و فردی که این نشانه را می‌بیند، باید از آن درس بگیرد.

۸-۱. معنا و مصادیق «آیه» در قرآن کریم

قرآن کریم، مواردی را به عنوان آیات معرفی کرده است: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: ۵۳). آیه مذکور، آیات را به آیات آفاقی و انفسی تقسیم بندی می‌کند. با جست‌وجو در سوره‌های قرآن مشاهده می‌شود که لفظ «آیه» گاهی به صورت مفرد و گاهی به صورت جمع و یا اضافه به کار رفته است؛ اما در این پژوهش برای تبیین مصداق به چند مورد اشاره می‌شود.

به طور کلی مصادیق آیه در قرآن شامل سه دسته بندی می‌باشد:

دسته اول: طبق آیات (قلم: ۱۵ و مدثر: ۱۶)؛ خود سوره‌های قرآن شامل بخش بندی‌هایی



هست که آن بخش بندی‌ها را «آیات» می‌گویند. در واقع، آیات، جمع «آیه» است و مجموع تعدادی از آیات، یک سوره می‌شود.

دسته دوم: معجزات پیامبران در (آل عمران: ۴۹؛ اعراف: ۷۳؛ رعد: ۳۸؛ طه: ۵۶ و زخرف: ۴۶)؛ به «آیه» تعبیر شده است.

دسته سوم: پرتکرارترین قسمت مورد استفاده، پدیده‌های طبیعی هستند که در مورد خالق آن‌ها نیز صحبت شده است (نجفیان و دیگران، ۱۳۸۹: ص ۱۸۵ و پهلوان و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۳). پدیده‌های طبیعی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

الف) آفرینش آسمان و زمین: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (شوری: ۲۹)؛ برپا ماندن آن دو: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ» (روم: ۲۵)؛ آفریده‌ها در آسمان‌ها و زمین: «مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ» (یونس: ۶)؛ مسخر بودن: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جاثیه: ۱۳)؛ نظم حاکم: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ... يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ» (رعد: ۲)؛ ساخت زمین و نعمت‌های موجود: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ* وَفِي الْأَرْضِ... جَبَلَاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد: ۴ و ۳).

ب) گیاهان: «كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً» (شعراء: ۷).

ج) باران: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (الانعام: ۹۹).

د) شب و روز: «اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰)؛ آرامش: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس: ۶۷).

ه) انسان نظیر آفرینش: «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (الجاثیه: ۴)؛ اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها: «اِخْتِلَافِ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» (روم: ۲۲).

و) حیوانات نظیر پراکندن جنبنندگان: «وَمِنْ آيَاتِهِ... وَمَا بَتَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ» (شوری: ۲۹)؛ قرار دادن فواید گوناگون در چهارپایان: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا... وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَآيَ آيَاتِ اللَّهِ تُشْكِرُونَ» (غافر: ۷۹-۸۱)؛ پرواز پرندگان: «أَمْ يَرَوْنَ إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (نحل: ۷۹)؛ خانه‌سازی زنبور، تولید و



شفابخشی عسل: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۶۸-۶۹).
 (ز) جاری بودن کشتی‌ها در دریا: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ... لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (لقمان: ۳۱)؛ سوارشدن به کشتی‌ها «وَأَيُّهُ هُمْ أَتَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ» (یس: ۴۱).

(ح) خورشید و ماه: «وَسَخَّرَ لَكُمْ... وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل: ۱۲)؛ نظم حاکم: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا... مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نحل: ۵).

(ط) بادها: «وَتَضْرِيْفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (جاثیه: ۵)؛ اثر آن در حمل کشتی‌ها و ابرهای باران‌زا: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ» (روم: ۴۶).

(ی) رزق و روزی: «أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (زمر: ۵۲)؛ جست‌وجوی روزی: «وَمِنْ آيَاتِهِ... ابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (روم: ۲۳).

(ک) خواب و بیداری: «وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (روم: ۲۳).

(ل) مسخر بودن ستارگان: «النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل: ۱۲)؛ هدایت‌گری: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام: ۹۷).

(م) ابر: «وَتَضْرِيْفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۴).

(ن) برق: «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا... فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم: ۲۴).
 (س) لباس: «قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ» (اعراف: ۲۶).

(ع) همسر «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱).

به عبارتی، آیات قرآن مشتمل است بر آیات تکوینی و قرآنی. آیات تکوینی احصا ندارند و آیات آفاقی و انفسی برای مخاطبانی نظیر اولی‌الالباب، مؤمنان و عاقلان هستند که عام و خاص آن را درک می‌کنند. آیات قرآنی، خاص، عام، مطلق، مقید، ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه، مجمل و مفصل را شامل هستند که تمامی آیات تکوینی و قرآنی نزد حضرت ولی‌عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ معلوم و مدرک است و ایشان به آن‌ها احاطه دارند (جوادی، ۱۴۳۹: ص ۳۳).

در این صورت، بسیاری از پدیده‌های طبیعی به عنوان آیه معرفی شده و در برخی موارد، به برجسته کردن قسمت خاصی از آن پدیده به عنوان آیه مورد توجه قرار گرفته‌اند. قابل ذکر است که در قرآن، آیه بودن برخی موارد چندین بار مطرح و برجسته شده است (پهلوان، ۱۳۹۴: ص ۳۳-۳۴). بنابراین، این‌گونه می‌توان بیان کرد که آیه در قرآن کریم، خود اجزای قرآن، انسان و طبیعت اطراف انسان را به طور کلی شامل می‌شود.

۸-۲. معنا و مصادیق «آیه» در روایات

در جست‌وجوی معنای آیه در روایات به چند معنا می‌رسیم که بیان می‌گردد:

۸-۲-۱. نشانه

نخستین معنای آیه، علامت و نشانه می‌باشد. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

إِنَّ آيَةَ الْمُؤْمِنِ إِذَا حَصَرَهُ الْمَوْتُ أَنْ يَبْيَضَّ وَجْهُهُ أَشَدَّ مِنْ بَيَاضِ لُونِهِ وَ يَرِشَحَ جَبِينُهُ وَ يَسِيلُ مِنْ عَيْنَيْهِ كَهَيْئَةِ الدُّمُوعِ فَيَكُونُ ذَلِكَ آيَةً خُرُوجِ رُوحِهِ وَإِنَّ الْكَافِرَ تَخْرُجُ رُوحُهُ سَلًّا مِنْ شِدْقِهِ كَرَبْدِ الْبَعِيرِ كَمَا تَخْرُجُ نَفْسُ الْحِمَارِ؛ به راستی که نشانه مؤمن آن است که وقتی مرگش فرا می‌رسد، صورتش از رنگی که داشته است، سفیدتر می‌شود؛ عرق بر پیشانی‌اش می‌نشیند و اشک از چشمانش روان می‌گردد. این‌ها علامت بیرون رفتن روح از بدن اوست و همانا روح کافر را از کنار دهانش بیرون می‌کشند؛ چون کف که بر اطراف دهان شتر درآید؛ همچنان که جان درازگوشی از تنش خارج می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۱۳۵).

همان‌طور که بیان گردید، برای مشخص شدن نشانه‌های کافر و مؤمن در هنگام مرگ از لفظ آیه استفاده شده است.



۸-۲-۲. بخشی از سوره قرآن

معنای دیگری از آیه که با جست و جو در روایات به دست می آید، یک «آیه» از قرآن است که در این روایت بیان شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقَرَةِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ وَآيَتَيْنِ بَعْدَهَا وَثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا لَمْ يَرِ فِي نَفْسِهِ وَمَالِهِ شَيْئاً يَكْرَهُهُ وَلَا يَقْرُبُهُ شَيْطَانٌ وَلَا يَنْسَى الْقُرْآنَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۶۲۱). با توجه به قراین موجود، مانند ذکر نام سوره‌ها و اشاره به تعدادی از آیات آن‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از آیه، یک آیه از آیات قرآن می‌باشد (دولتی و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۱۰۵). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَا مَنَعَ مِيَمٌ مِنَ التَّقِيَّةِ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ عَلِمَ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِي عَمَارٍ وَأَصْحَابِهِ - إِلَّا مَنْ أُوْكِرَهُ وَقَلْبُهُ مُظْمَنٌ بِالْإِيمَانِ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۷۱). در این روایت، لفظ آیه، قسمتی از تمام آیه ۱۰۶ سوره نحل مورد نظر است. همچنین در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «كُلُّ عَدُوٍّ لَنَا نَاصِبٌ مَنْسُوبٌ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً تُسْقِي مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ﴾» (کوفی، ۱۴۱۰: ص ۵۴۹). در روایت مذکور واژه آیه به صورت مفرد آمده است؛ ولی مراد از آن، آیات ۲ تا ۵ سوره غاشیه می‌باشد و در این صورت می‌توان بیان کرد که آیه، علاوه بر معنای یک آیه کامل و یا بخشی از یک آیه، تعدادی از آیات قرآن را می‌تواند مشتمل گردد (دولتی و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۱۰۹).

بنابراین، در روایات، آیه به معنای نشانه و علامت و همچنین بخشی از سوره قرآن می‌باشد که با تأمل در متن حدیث، می‌توان به مقصود و مراد پی برد. با توجه به مطالب بیان شده، مشخص می‌گردد که آیات به بخشی از قرآن و معجزات پیامبران اشاره دارد و نسبت به معنای دیگر دارای ترجیح می‌باشد.

۹. تحلیل و بررسی همنشین‌های «رَبَّانِي آيَاتِهِ»

پس از بیان مطالب گذشته و پیش از پرداختن به معنای برداشت شده احتمالی، ذکر این نکته شایسته است که برگشت ضمیر که دارای نقشی تعیین‌کننده در جمله و فهم آن است؛ به چه کسی است؟ با توجه به عبارت کامل این قسمت از زیارتنامه: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ»، مشخص است که مرجع ضمیر غایب به «الله» باز می‌گردد. اکنون پس از بررسی لغات و



اصطلاحات مربوط، به بیان ترجمه‌های احتمالی و مورد نظر پرداخته می‌شود:

«سلام بر تو ای کسی که در میان آیات پروردگار و نشانه‌های او پیوند و ارتباط با دین و طاعت حق از همه بیش‌تر است تا آن‌جا که خودت نفس دین هستی و اطاعت از تو اطاعت از خدا است! سلام بر تو ای کسی که مرّبی و تربیت‌کننده آیات حق متعالی هستی!» (بحرینی، ۱۳۷۸: ص ۸).

با توجه به این معنا، جمله گویای مقام رفیع حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به تمامی خلقت می‌باشد؛ به گونه‌ای که خداوند متعال، پرورش آیات را به اهل‌البیت علیهم‌السلام محوّل کرده که در این عصر، حضرت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این مقام را دارا می‌باشند. آنچه به عنوان ترجمه گفته شد، با توجه به معانی بیان شده، ترجمه صحیحی می‌باشد.

ترجمه احتمالی دیگر چنین است: «سلام بر تو ای ربّانی، ای نشانه خداگونه، ای آیه هستی، نشانه هستی، ای مخلوق هستی، آیه و نشانه و مخلوق و بنده‌ای خداگونه و خدانشانه!» (همان، ص ۱۱).

مفهوم عبارت، آن است که با توجه به آن‌که تمامی آفرینش، آیتی از آیات خداوند و تجلی قدرت و عظمت او است؛ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت به سایر خلائق ظهور و بروز قدرت خدا را نمایان می‌کند. آیه‌ای که جلوه ذوالآیه است و مخلوقی که نشان از خالق دارد. به همین دلیل است که خلقت و حدوث اهل‌بیت علیهم‌السلام مورد نظر قرار گرفته و در توقیعی به آن اشاره گردیده است: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتُحَقِّقُهَا وَرَتَّقُهَا بِبَيْدِكَ» (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۸۰۳).

۹-۱. داعی الله

شایان ذکر است که سیاق متن زیارت آل یاسین می‌تواند در برداشت و تفسیر مؤثر واقع شود. مستند پژوهش برای وحدت سیاق عبارت ابتدایی زیارت آل یاسین: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ» می‌باشد. این لفظ در قرآن کریم دو مرتبه برای رسول‌الله ملاحظه می‌شود: نخست «و دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ يَأْذِنُهُ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» (أحزاب: ۴۶) می‌باشد که اهل لغت، معنای آن را دعوت‌گر به توحید خداوند متعال بیان کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۲۵۹) و دیگری «أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَ آمِنُوا بِهِ» (أحقاف: ۳۱) می‌باشد که مفسران، آن را دعوت‌کننده به توحید و خلع



الانداد غیر از خداوند تفسیر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۹، ص ۲۸۵). همچنین در زیارات اهل بیت علیهم‌السلام به «داعی‌الله» بودن ایشان اشاره شده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۲۵ و ابن قولویه، ۱۳۹۵: ص ۲۱۳). اضافه شدن «داعی» به «الله» اختصاص را می‌رساند؛ زیرا امام جز برای خدا سخن نمی‌گوید و جز به خداوند راهنمایی و دعوت نمی‌کند. بنابراین، حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف همانند سایر اهل بیت علیهم‌السلام دعوت‌کننده به سوی خداوند، ایمان و قرب حق با اذن ایشان می‌باشد. این مقام و صفت به سبب ولایت تکوینی و تشریحی و علم الاهی حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف به نحو اتم و اکمل به ایشان اختصاص دارد. با توجه به مطالب گفته شده، نتیجه چنین می‌شود که مقام داعی‌الله بودن حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف مؤید ربّانی بودن ایشان می‌باشد؛ زیرا دعوت‌کننده می‌بایست به مسیر و هدف آگاهی و علم داشته و رهنمون مردم باشد. به همین دلیل پرورش آیات الاهی و تبلور آن در ذات اهل‌البیت علیهم‌السلام، خصوصاً حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف نهادینه شده است. بنابراین، «داعی‌الله» مکمل «ربّانّی آیات» می‌باشد.

۹-۲. تالی کتاب الله

علاوه بر وحدت سیاق که ذکر گردید، می‌توان از قراین داخلی استفاده کرد. عبارت «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ» در زیارت، گویای این است که از جمله صفات و ویژگی‌های امام، تلاوت کردن قرآن و تفسیر آن می‌باشد؛ چنان‌که در شأن نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل: ۴۴).

ویژگی مذکور را امیرمؤمنان علیه‌السلام در پاسخ به کسانی که ادعاهای بی‌اساس در زمینه علم و دانش اسلامی در برابر اهل‌بیت علیهم‌السلام داشتند و به دروغ خود را آگاه تر و عالم‌تر معرفی می‌کردند تا مسئله امامت و خلافت ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام را تضعیف و کم‌رنگ جلوه دهند، مطرح می‌کردند: «أَيُّنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا كَذِبًا وَبَغْيًا عَلَيْنَا؟ أَنْ رَفَعْنَا اللَّهَ وَوَضَعَهُمْ وَأَعْطَانَا وَحَرَمَهُمْ وَأَدْخَلْنَا وَأَخْرَجَهُمْ. بِنَا يُسْتَعْطَى الْهُدَى وَيُسْتَجْلَى الْعَمَى. إِنَّ الْأُمَّتَةَ مِنْ قَرَيْشٍ، غُرِسُوا فِي هَذَا الْبَطْنِ مِنْ هَاشِمٍ، لَا تَصْلُحُ عَلَى سِوَاهُمْ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ» (سید رضی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۱).

همچنین در روایت دیگری از امام زین‌العابدین علیه‌السلام، به ترجمان قرآن بودن اهل‌بیت اشاره

شده است:



نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَنَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَنَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَحِيَهُ وَنَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَنَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۳۵). در اعتقادات شیعه قرآن بودن اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است: «اعْتِقَادُنَا فِيهِمْ أَنَّ أَبْوَابَ اللَّهِ وَالسَّبِيلَ إِلَيْهِ وَالْأَدْلَةَ عَلَيْهِ وَأَتَمَّهُمْ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَتَرَاجِمُهُ وَحِيَهُ وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ص ۹۴).

در قرآن کریم آیه «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کرده‌ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می‌کنند، اهل ایمان به آن کتاب هستند، و کسانی که به آن کفر می‌ورزند، فقط آنان زیانکارند؛ وجود دارد که مطابق فرمایش امام صادق علیه السلام، مصداق آن اهل بیت علیهم السلام می‌باشند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۱۵).

۹-۳. علم مصبوب

همچنین در این زیارت به «عِلْمُ الْمَصْبُوبِ» بودن حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره شده است. در قرآن نیز آیات «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ * أَتَأْتُوا صَبًا * نُحْمٌ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا» (عبس: ۲۵-۲۶)؛ می‌تواند با این عبارت از زیارت مرتبط گردد. مصبوب از ریشه صَبَّ که در کتاب‌های لغت به «صَبُّ الْمَاءِ: إِرَاقَتُهُ مِنْ أَعْلَى؛ ریختن آب از بالا به پایین» معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۷۳). همچنین «الصَّبَبُ ما اخدر من الأرض؛ آن چه از زمین سرازیر می‌شود» (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۹۶)؛ معنا شده است. علاوه بر معانی مذکور، به معانی ذیل هم آمده است: «غَيْرُ مَعْدُودٍ؛ غیر قابل شمارش» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۳۸)؛ و همچنین به علم سرازیر حضرت ولی عصر علیه السلام که در زیارات دیگر نظیر «السَّلَامُ عَلَيَّ... الْعَالَمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ؛ سلام بر عالمی که علم آن، تمام نمی‌شود» (ابن مشهدی، ۱۴۱۰: ص ۲۰۸) و «وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ» (همان، ص ۵۸۷)؛ اشاره شده است. بنابراین، علم مصبوب، اشاره به دانش سرازیر و بی‌انتهای ایشان دارد که برای استفاده مردم سرازیر و مهیا شده است و مؤیدی بر مفهوم عبارت، با استفاده از زیارت می‌باشد. از این عبارت، همچنین مرجعیت علمی معصومان ثابت می‌گردد؛ زیرا افرادی که به عنوان ربّانی آیات و ترجمان قرآن و دارای علم سرشار و بی‌انتهای می‌باشند، نسبت به دیگران برتری علمی دارند و به این مقام الوهی نایل می‌گردند. این مرجعیت علمی نه تنها مورد اعتقاد شیعیان است، بلکه عامّه نیز بدان معترف هستند و احادیث و بیاناتی در این زمینه نقل



کرده‌اند که در مورد امیر مؤمنان علیه السلام عبارت «سؤال كبار الصحابة ورجوعهم إلى فتاويه وأقواله في الموازن الكثيرة والمسائل المعضلات، مشهور» (نووی، ۱۹۹۶: ج ۱، ص ۳۱۷) و در مورد امام سجاد علیه السلام «حق له والله ذلك، فقد كان اهلا للامامة العظمى، لشرفه، و سؤده، و علمه، و تأله، و کمال عقله» (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۴، ص ۳۹۸) گویای این مطلب می باشد.

بنابراین، می شود چنین عنوان کرد و نیز مستند به قول شارحان، «ربّانی آیاته» به معنای آن است که آیات خداوند متعال نزد ایشان است که به آن آیات، خبیر و آگاه می باشند و آیات را برای مردم تفسیر می کنند (کورانی، ۱۴۳۴: ص ۴۵) و آیات قرآن را بر مردم تلاوت می کنند و به آنان تعلیم می دهند و بر آیات قیّم هستند (همان، ص ۵۰). تفسیر دیگری که برای ربّانی آیاته به کار رفته است «پرورش و تربیت کننده تمام موجودات و مخلوقات پروردگار عالم» می باشد (رفیعی، ۱۳۷۹: ص ۵۴). با توجه به مقامات وسیع و بزرگ آیات الاهی، ربّانی و عالم آیات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و کسی که می خواهد به وسیله قرآن و از آن علم آموزد، می بایست به سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برود؛ زیرا ایشان ربّانی آیات می باشد (وائلی، ۱۴۴۳: ص ۸۵).



نتیجه‌گیری

۱. «زیارت آل یاسین» دارای دو نقل و متن متفاوت می‌باشد که زیارت معروف در الاحتجاج به صورت «مرسل» و دیگر زیارت با سندی متصل و متنی کامل در المزار ابن مشهدی نقل گردیده است که به سبب وجود مفاهیم و مضامین آل یاسین معروف در المزار به صورت مفصل، مشکل «ارسال سند» نیز مرتفع می‌گردد.

۲. مفهوم‌شناسی، مطالعه روشمند و تحلیل موشکفانه متن با هدف کشف ارتباط متقابل نشانه‌های موجود متن، به عنوان راه‌حلی برای راهیابی به غموض متن و درک تأثیر معنایی ناشی از آن به شمار می‌آید. عدم توجه به مفهوم‌شناسی موجب اخلال در فهم متن و برداشت‌های ناصحیح می‌گردد.

۳. همنشینی به معنای کنار هم قرار گرفتن مفاهیم کلام و یا ارتباط عنصر زبانی با عناصر زبانی دیگر می‌باشد؛ به گونه‌ای که متمم و مکمل یکدیگر می‌گردند.

۴. ربّانی دارای دو ریشه است: نخست منسوب به ربّ که دارای معانی مختلفی است، نظیر راسخ در علم، عالم عامل، خداشناس و عارف و شخص متمسک شدید به دین خدا؛ و الف و نون برای مبالغه استعمال شده است. معنای دیگر ربّانی منسوب به ربّان از ریشه‌ای سریانی است به معنای کسی که نفس خود را با علم تربیت کرده است. در اصطلاح، به احکام الهی و امین حلال و حرام خدا عالم و آگاه می‌باشد.

۵. ربّانی در قرآن وصفی برای عالمان مؤتمن بر شریعت پس از انبیا و به دسته‌ای از آمران به معروف و ناهیان از منکر و دسته دیگر که از این مهم قصور و تقصیر داشته‌اند؛ به کار رفته است.

۶. ربّانی توصیف عالمان یهود نیز می‌باشد که اینان از دیدگاه مفسران، از احبار بالاتر هستند؛ زیرا ایشان جامع در علم، فقه، بصیر در سیاست و تدبیر، قائم بر اجرای امور مورد صلاح مردم در دنیا و دین می‌باشند.

۷. در احادیث نیز ربّانی به معنای کسی است که علوم او علمی است اخروی، حرص در او به قناعت و غفلت او به تقوا تبدیل شده است. کاربرد ربّانی در احادیث با توجه به مخاطب و وصف آن، به خداوند، اهل‌البیت علیهم‌السلام، أصحاب ائمه و عالم عامل اطلاق می‌شود.

۸. در این زیارت، عبارات «داعی الله» به عنوان وحدت سیاق در نظر گرفته و مشخص شد



دعوت‌گر به سمت توحید و خداوند، می‌بایست به آیات علم داشته و پرورش‌دهنده آنان باشد.

۹. همچنین عبارات «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ» و «عِلْمُ الْمَصْبُوبِ» به عنوان قرائن داخلی متن، مؤیدی بر مفهوم‌شناسی ربّانی آیات است که با اشاره به مقام علم‌الاهی، سرازیر و بی‌انتهای اهل‌بیت قرینه‌ای بر عصمت، مرجعیت علمی ایشان، مخصوصاً حضرت ولی‌عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد.

۱۰. «آیات» جمع مکسر آیه به معنای عبرت، علامت و نشان می‌باشد و در احادیث، به معانی نشانه و علامت بزرگی خداوند و آیه‌ای از قرآن کریم به کار رفته است. در قرآن معجزات پیامبران الاهی، پدیده‌های طبیعی و آیات قرآن به «آیه» تعبیر شده است.

۱۱. ربّانی آیات، وصفی برای حضرت بقیه‌الله عَلَيْهِ السَّلَامُ به «شخص آگاه و خبیر به آیات الاهی که آن را برای مردم تفسیر می‌کند و بر آیات قیّم است»؛ «پرورش‌دهنده موجودات و مخلوقات هستی» و «عالم عامل و پرورش‌یافته توسط خداوند» تفسیر شده است و منبع و مأخذ هدایت ولایی و تکوینی حضرت ولی‌عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشد.



منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم، مكتبة آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو (۱۴۱۱ق). الأحاد والمثانی، الرياض، دارالدرایة.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحدیث والأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبزیل (۱۳۶۳). الفضائل، قم، رضی.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق). مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البيت للإحياء التراث.
۷. ابن عطیه آنلسی، عبدالحق بن غالب (بی تا). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بی جا، بی نا.
۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات، نجف اشرف، دارالمرضویة.
۹. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق). المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب، قم، أدب الحوزة.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی.
۱۲. ازدی البلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۳. افراسیابی، مهدی (۱۳۹۴). پیمان نصرت، تهران، بنیاد فرهنگي حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۴. انباری، محمد بن القاسم (۱۴۲۴ق). الزاهر فی معانی کلمات الناس، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۵. ایمان، محمد تقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. بحرینی، سید مجتبی (مهر و بهمن ۱۳۷۸). «نگرشی به زیارت آل بیس»، مجله موعود، شماره ۱۶ و ۱۸.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
۱۸. بروجردی، سید علی (۱۴۱۰ق). طرائف المقال فی معرفة طبقات الرواة، قم، مكتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۹. بیهقی، علی بن زید (۱۴۰۹ق). معارج نهج البلاغه، قم، مكتبة آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۲۰. پهلوان، منصور و دهقانی، مهدیه (تابستان ۱۳۹۴). «مصادیق گونه گونه آیه در قرآن»؛ سراج منیر، شماره ۱۸.
۲۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات.
۲۲. جواد، صالح (۱۴۳۹ق). القول المبین فی شرح زیارة آل یاسین، کربلاء، العتبة الحسينية المقدسة.
۲۳. حاکم نیشابوری، ابی عبد الله (بی تا). المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفة.



۲۴. حائری قزوینی، مهدی (۱۳۸۲). *میشاق منتظران*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۵. حسینی خطیب، سید عبد الزهراء (۱۴۰۹ق). *مصادر نهج البلاغة وأسانیده*، بیروت، دارالزهراء.
۲۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
۲۷. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۴ق). *تقریب القرآن إلى الأذهان*، بیروت، دارالعلوم.
۲۸. حلی، علی بن یوسف (۱۴۰۸ق). *العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۹. خدامیان آرانی، مهدی (۱۳۹۰). *راهی به دریا*، قم، وثوق.
۳۰. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۳۱. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۳). *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۲. دولتی، کریم و قندالی، فاطمه (زمستان ۱۳۹۳). «کاربرد واژه آیه در روایات شیعه با توجه به صحیح هشام بن سالم»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۷۴.
۳۳. ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۳ق). *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۳۴. راغب أصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت-دمشق: دارالقلم-الدار الشامیة.
۳۵. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق). *قصص الأنبياء*، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی.
۳۶. رفیعی، سید جعفر (۱۳۷۹). *تفسیر و شرح زیارت آل یاسین*، قم، مؤسسه یاران قائم.
۳۷. زمخشری، جارالله (۱۴۱۷ق). *الفاقی فی غریب الحدیث*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۳۸. سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، قم، هجرت.
۳۹. سیوطی، جلال الدین (بی تا). *الخصائص الكبرى*، بیروت، دارالکتب العربی.
۴۰. شاعلی، عبد الصمد (۱۳۸۱). *در آستان جانان*، تهران، رایحه.
۴۱. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱). *مبانی معناشناسی نوین*، تهران، سمت.
۴۲. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). *اعتقادات الإمامیه*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۴. _____ (۱۳۶۲). *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. _____ (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیة.
۴۶. _____ (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. _____ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۸. صفوی، کورش (۱۳۸۰). *گفتارهایی در زبان شناسی*، تهران، هرمس.



٤٩. صنعاني، عبدالرزاق بن همام (١٤١١ق). تفسير القرآن العزيز، بيروت، دارالمعرفة.
٥٠. طاهرزاده، اصغر (١٣٨٦). زيارت آل يس: نظريه مقصد جان هراتسان، اصفهان، لب الميزان.
٥١. طباطبائي، محمد حسين (١٣٩٥ق). الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الأعلمي.
٥٢. طبرسي، احمد بن علي (١٤٥٣ق). الإحتجاج على أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضى.
٥٣. طبرسي، فضل بن الحسن (١٤١٥ق). مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة أعلمي للمطبوعات.
٥٤. _____ (١٣٧٢). مجمع البيان في تفسير القرآن مصحح: فضل الله يزدى طباطبائي، تهران، ناصر خسرو.
٥٥. طبري آملی، محمد بن جرير بن رستم (١٤٢٧ق). نوادر المعجزات في مناقب الأئمة الهداة، قم، دليل ما.
٥٦. طبري، محمد بن جرير (١٤١٥ق). جامع البيان عن تأويل آيات القرآن، بيروت، دارالفكر.
٥٧. طريحي، فخرالدين (بي تا). تفسير غريب القرآن الكريم، بي جا، بي نا.
٥٨. _____ (١٣٧٥). مجمع البحرين، تهران، مرتضوى.
٥٩. طنطاوى، سيد محمد (بي تا). تفسير الوسيط للقرآن الكريم، بي جا، بي نا.
٦٠. طوسي، محمد بن الحسن (١٤١١ق). مصباح المتهجد وسلاح المتعبد، بيروت، مؤسسه فقه الشيعه.
٦١. _____ (١٤٥٩ق). التبيان في تفسير القرآن، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.
٦٢. عجم، رفيق (١٩٩٩م). موسوعة مصطلحات التصوف الإسلامي، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون.
٦٣. عسقلاني، أحمد بن علي (١٤٥٤ق). تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفكر.
٦٤. عياشى، محمد بن مسعود (١٣٨٥ق). تفسير العياشى، تهران، المطبعة العلمية.
٦٥. عيني، بدرالدين محمود (بي تا). عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بي جا، بي نا.
٦٦. قرشى، سيد علي اكبر (١٣٧٧). مفردات نهج البلاغه، تهران، نشر قبله.
٦٧. قمى مشهدى، محمد (١٣٦٨). تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
٦٨. قمى، علي بن ابراهيم (١٤٥٤ق). تفسير القمى، قم، دارالكتاب.
٦٩. كاشاني، ملافتح الله (١٣٣٣). منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران، علمي.
٧٠. كسنزاني، محمد (١٤٢٩ق). موسوعة الكسنزان فيما اصطلح عليه أهل التصوف و العرفان، دمشق، دارالمحبة.
٧١. كفعمي، ابراهيم بن علي (١٤١٨ق). البلد الأمين و الدرع الحصين، بيروت، مؤسسة أعلمي للمطبوعات.
٧٢. كليني، محمد بن يعقوب (١٤٥٧ق). الكافي، تهران، دارالكتب الإسلامية.
٧٣. كوراني، علي (١٤٣٤ق). شرح زيارت آل ياسين، قم، بي نا.

۷۴. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارت إرشاد اسلامی.
۷۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷۶. _____ (۱۴۱۱ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۷۷. مختار عمر، احمد (۱۳۸۵). *معناشناسی*، مترجم: سید حسین سیدی، مشهد، فردوسی.
۷۸. مصطفوی، حسن (۱۴۱۷ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۷۹. مغنیه، محمدجواد (۱۹۸۱م). *التفسیر الکاشف*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۸۰. _____ (۱۴۲۷ق). *فی ضلال نهج البلاغة*، قم، انتشارات کلمة الحق.
۸۱. نجفیان، آرزو و عامری، حیات (تابستان ۱۳۸۹). «نگاهی نشانه شناختی به واژه آیه در قرآن کریم»؛ مجله نقد ادبی، ش ۱۰، ص ۱۷۵-۲۰۴.
۸۲. نووی، محیی الدین یحیی (۱۹۹۶م). *تهذیب الأسماء واللغات*، بیروت، دارالفکر.
۸۳. وانلی، حمیدعبد الجلیل (۱۴۴۳ق). *شرح زیارة آل یاسین*، نجف الأشرف، مرکز الإمام المهدي.